

## بررسی شیوه‌های تدفین دوره اشکانی در گورستان ولیران دماوند

محمد رضا نعمتی

کارشناس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران

علی صدراپی<sup>۱</sup>

عضو هیأت علمی پژوهشکده باستان شناسی

(از ص ۱۰۳ تا ۱۲۱)

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۷/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۲/۰۲

### چکیده:

دوره اشکانی به دلیل دوران طولانی امپراطوری، گستردگی وسعت زیاد قلمرو حکومتی و وجود مذاهب مختلف، شیوه‌های متنوعی جهت دفن اجساد وجود داشته است. تاکنون گورستانهای متعددی از این دوره با شیوه‌های متفاوت تدفین از قبیل: قبور خمراهی، سردابه‌ای، گور معبد، تابوتی، چاهی، مکعب مستطیل، گودالهای ساده و سنگ چین در نقاط مختلف داخل و خارج ایران کشف و حفاری شده است. در بخش شمال شرق فلات مرکزی ایران و بخصوص در استان تهران به دلیل عدم انجام بررسی‌های علمی و کاوشهای باستان شناسی، هیچ گونه اطلاعی از وضعیت تاریخی و باستان شناسی این بخش از فلات مرکزی ایران و بخصوص شیوه‌های تدفین در دوره اشکانی وجود نداشت. با انجام دو فصل کاوش در محوطه ولیران در شرق استان تهران گورستانی با تعدادی گور و شیوه‌های مختلف تدفین کشف و شناسایی گردید که با مطالعه اولیه آنها، اطلاعات مفید و ارزشمندی در خصوص شیوه‌های تدفین و نگرش مذهبی اشکانیان در منطقه دماوند حاصل آمد که در این مقاله به شرح آنها خواهیم پرداخت.

**واژه‌های کلیدی:** گورستان، باستان‌شناسی اشکان، تدفین، ولیران دماوند.

---

۱. نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: [alisadraei@gmail.com](mailto:alisadraei@gmail.com)

## مقدمه

دو فصل کاوش و بررسی در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ در بخشی از تپه ماهورهای شرقی رودخانه تار در نزدیکی روستای ولیران در شهرستان دماوند شناسایی محوطه‌ای مهم از دوره‌های اشکانی و ساسانی با مواد فرهنگی کم نظیر در سطح ایران را در پی داشت. طور کلی مجموعه آثار بدست آمده از دوره اشکانی عبارت بودند از تدفین‌های انسانی با شیوه‌های متفاوت، بقایای استخوانی، اشیاء متنوع سفالی، ادوات فلزی، قطعات شیشه، ابزارهای سنگی، وسایل چوبی، بازمانده‌هایی از قیر، الیاف پارچه و سکه‌هایی از شاهان اشکانی. علاوه بر این‌ها، هیئت کاوش موفق شد بقایای معماری منظمی از دوره ساسانی را از زیر خاک بیرون آورد. در میان آثار منقول دوره ساسانی اشیاء و موادی منحصر به فرد از این دوره شامل سفال نوشته‌هایی به خط پهلوی ساسانی و هشت سکه نقره وجود داشت.

درباره مذهب اشکانیان باید گفت که به دلیل وسعت مناطق تحت نفوذ و تفاوت‌های فرهنگی بسیار بین منطقه شرق و غرب این شاهنشاهی نمی‌توان تصور مذهبی واحد را در این حکومت داشت. در آغاز دوره اشکانی تأثیر هلنیسم در زمینه‌های مختلف غالب بود، در روی سکه‌ها پادشاهان خود را دوستدار یونان می‌نامیدند، مذهب این دوره نیز بی شک تحت تأثیر مذهب یونان قرار گرفته بود و علیرغم ضربه‌ای که به آن وارد شد، تأثیرها تلفیقی را به نمایش گذاشت. (Fingan, 1952:110) سلوکیان بعد از روی کار آمدن سعی کردند خدایان خود و دیگر خدایان را با نام خدایان ایرانی تطبیق دهند. (Colpe, 1993:823) در شرق شاهنشاهی پارت، مذهب بودایی رواج داشت و کوشانیان بر این دین بودند. در مغرب ادیان مختلفی وجود داشت که بزرگ‌ترین آنها در ابتدا یهودیت و پس از آن مسیحیت به وجود آمد (Colpe, 1993:823) آثاری مبنی بر احترام به آتش از این دوره بر جای مانده است که مهم‌ترین آنها نقش برجسته ایی در نزدیکی بیستون که از روبرو نشان داده شده و شاهزاده‌ای را در حال ریختن ماده‌ای احتمالاً بخور در آتش نشان می‌دهد (Herzfeld, 1941:289).

در این پژوهش با توجه به داده‌های باستان‌شناسی سعی شده تا با استناد به شواهد و مستندات دیگر، گورهای مکشوفه از محوطه ولیران دماوند معرفی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند.

## محوطه ولیران

موقعیت جغرافیایی: روستای ولیران واقع در بخش مرکزی شهرستان دماوند و جزو دهستان تاررود محسوب می‌گردد که در فاصله ۴ کیلومتری شمال شرقی گیلوند و ۱/۵ کیلومتری جنوب شهر دماوند و در ۵۰۰ متری شرق جاده آسفالت گیلوند - دماوند قرار دارد. این روستای در واقع یک روستای پای کوهی است که شمال و شرق آن را ارتفاعات نسبتاً بلند و خشکی احاطه کرده، ولی بخش غربی که در حاشیه حوضه رودخانه تار بوده و بسیار سرسبز است. بخش جنوبی روستا به وسیله آب این رودخانه دارای زمین‌های کشاورزی و بسیار حاصلخیز است. (نقشه ۱)

محوطه تاریخی ولیران در مختصات جغرافیایی ۵۲ درجه و ۳ دقیقه و ۲۴ ثانیه طول جغرافیایی و ۳۵ درجه و ۴۱ دقیقه و ۳۰ ثانیه عرض جغرافیایی و در فاصله حدود ۵۰۰ متری جنوب روستای ولیران و در انتهای یال تپه ماهورهای مرز بین شلمبه و ولیران قرار گرفته است (تصویر ۱). جنوب این محوطه محدوده زمین‌های

شلمبه و شمال آن زمین‌های ولیران و شرق آن محدوده تپه ماهورهای هر دو روستا و غرب محوطه با چند صد متری رودخانه تار دماوند جاری است (Ne'mati and Sadraei 2010: 305).

### شیوه تدفین در دوره اشکانی

در بررسی‌ها و کاوش‌های انجام گرفته در محوطه‌های اشکانی در قلمرو گسترده امپراتوری اشکانی تدفین‌های مختلفی همچون: سردابه‌ای، خمره‌ای، مکعب مستطیل، چاهی، گورمعبد، گودالی با ظروف مختلف تدفین شناسایی شده‌اند.

در شرق این امپراتوری یعنی در نساء استودان‌های سفالین موید گونه‌ای از تدفین است که مشابه آن در سغد نیز یافت شده است. علاوه بر این، کاوشگران روسی از شناسایی گورمعبدهایی در نساء خبر دادند (Mongait, 1959: 69-299). در قلعه شماره ۱۲ در سه کیلومتری شمال شهر جرجان آثار یک تدفین گودالی به دست آمده است. شیوه تدفین به علاوه سفال‌های یافت شده تشابه زیادی با تدفین‌های به دست آمده در حلیمه جان که یک محوطه پارسی ساسانی است، دارد (Kiani, 1982:11-9). در سال ۱۳۴۸ در تاق بستان کرمانشاه گورستانی اشکانی با تدفین خمره‌ای به دست آمد در این خمره‌ها اجساد در جهت شرقی- غربی در حالی که سر در طرف شرق قرار داشت و صورت به سمت جنوب دفن شده بودند (کام بخش فرد، ۱۳۷۴ : ۲۳۹). در کاوش‌های معبد آناهیتای کنگاور سه نوع تدفین شامل قبور تابوتی از جنس سفال و به شکل وان و قایق، قبور خمره‌ای به ابعاد مختلف و قبور گودالی به شکل مکعب مستطیل که در صخره کنده شده شناسایی شده است (چاپچی امیرخیز و سعیدی، ۱۳۸۱:۱۳). در گورستان سنگ شیر همدان تعدادی تدفین تابوتی سفالی به شکل قایق یا وان که از دو تا از تابوت‌ها سکه‌هایی متعلق به مهرداد اول و فرهاد دوم کشف شده است. ابن فقیه نویسنده مسلمان قرن‌های سوم و چهارم هجری چنین خبر می‌دهد که تابوت‌های سفالی به شکل وان در خیابان و کوچه‌های شهر همدان کشف می‌شده است. ولی متأسفانه هیچ اطلاعی از اینکه آیا این کوچه‌های عریض و تنگ در محله‌های شهر پارسی وجود داشته یا خیر؟ خبر نداریم (Azarnoush, 1979:281-286). در این گورستان علاوه بر تدفین‌های تابوتی، تدفین‌های گودالی ساده و تابوت‌هایی متشکل از خمره‌های سفالین نیز به دست آمده است (آذرنوش، ۲۵۳۴ : ۴۰). در گرمی مغان از آذربایجان شرقی استان فعلی اردبیل و در جنوب رودخانه ارس دو گروه قبر دیده می‌شود که عبارتند از قبور خمره‌ای و قبور مکعب مستطیل که در این قبور علاوه بر ظروف و اشیاء، سکه‌هایی از ارس، فرهاد چهارم و گودرز قرار داده بودند (کام بخش فرد، ۱۳۴۶: ۴). در شهر صنعتگران، شهر شاهی، تپه ذهاب در ۷ کیلومتری جنوب شرق شوش و قبرستان پارسی حومه شوش در یک کیلومتری جنوب زندان تدفین‌های سردابه‌ای دارای پلکان و اتاق اصلی با سکوها و تابوت‌های سفالی و ظروف لعاب‌دار و تدفین خمره‌های بزرگ با جداره‌ای نازک و تابوت‌های سفالی به شکل انسان با آنتروپوئید گزارش شده است (De Mecqunem, 1943). اونوالدر اواخر سال ۱۹۲۸ در تپه بولاحیا حفاری‌هایی انجام داد که در آنجا تدفین‌های تابوتی به شکل انسان و تدفین خمره‌ای اشکانی به دست آورد (Unvala, 1929:133). دیولافوا گزارش می‌دهد از همان ابتدا در شوش از میان دیوارها خمره‌های تدفین به دست می‌آمد. در آکروپول نیز مانند شهر شاهی پارسی‌ها از دیوار استحکامات برای دفن مرده‌ها استفاده می‌کرده‌اند، یک چاه به تونلی ختم می‌شود که در دیوار خشتی ایجاد شده بود تعدادی خمره‌های کم و بیش شکسته در این تونل چیده شده

بودند (دیولافوا، ۱۳۷۱: ۱۴۵-۱۵۳). دموورگان گزارش می‌کند مارسل دیولافوا در تل شهر شاهی تعدادی چاه تدفین کشف کرده است که حاوی چند سکه است که متعلق به دوره پارسی می‌باشند. این سکه‌ها متعلق به مهرداد اول، فرهاد دوم و یک سکه برنزی مربوط به کام ناس کیرها که الیمایی می‌باشند، هستند (De Morgan, 1905: 33). در نزدیکی شوش در تپه حسین آباد در سه کیلومتری شمال غربی تپه‌ای به نام گیان قبرستانی متعلق به دوره اشکانی و دارای تابوت‌های سنگی است (کابلی، ۱۳۷۳: ۱۳۳). در شمی در چهل کیلومتری مال امیر بختیاری و در پای کوه بیان در ۸ یا ۹ کیلومتری شمی قبوری به دست آمده که سقفشان از تخته سنگ‌های افقی تشکیل یافته و دیوارهایشان از گچ کاری‌ها و تزئینات سبک یونانی آرایش یافته است (گذار، ۱۳۵۸: ۲۲۲-۲۲). در قبرستان چشمه سار در حدود یک کیلومتری شمال غربی تخت جمشید تدفین‌هایی از نوع گودالی و تابوتی سفال که دارای اشیاء کمی هستند، به دست آمد (Schmidt, 1957: 117-157). در گورستان شغاب بوشهر قبرستانی با ظروف تدفین کشف شد که در این گورستان خمره‌های تدفینی که با خمره‌های شوش به خصوص در قسمت نوک تیز کف و همچنین شیارهای روی بدنه آنها شباهت کاملی دارند (میرفتاح، ۱۳۷۴: ۶۴-۴۱). در منطقه دامب کوه در منتهی‌الیه جنوب شرقی ایران صدها نمونه قبر توده سنگی به دست آمده که در یکی از آنها سکه‌ای مربوط به سیناتروک یافت شده است (Karlovsky, 1968: 247). در گلاک شوشتر ۵ آرامگاه سردابه‌ای آجری شناسایی شد که بعضی دارای پله‌های زیاد می‌باشند. در این آرامگاه‌ها سه سکو وجود دارد که روی آنها تابوت‌های سفالین را قرار داده بودند، زیر سکوها خالی و در داخل آن اجساد را به حالت آزاد دفن می‌کردند. آرامگاه‌های فاقد سکو در قسمت ورودی دارای یک یا دو پله هستند و تابوت‌ها در کف آرامگاه نهاده بودند و روی کف هم تدفین انجام داده بودند. علاوه بر تدفین سردابه‌ای تدفین خمره‌ای در اطراف آرامگاه‌ها نیز به دست آمده است (Rahbar, 1999: 90-93). در روی کوه رحمت در کنار تخت جمشید دکتر صراف گمانه زنی‌هایی انجام داد که آثاری از قبور صخره‌ای دوره پارسی را به دست آورد که متأسفانه توسط حفاران غیر مجاز آسیب زیادی دیده بودند (صراف) در قلمرو غربی این امپراتوری در پالمیر و دورا و پوس از برج‌های مشابه برج‌های خاموش زردتشتیان استفاده شده است. در پالمیر همچنین، آرامگاه‌های زیرزمینی خانوادگی و آرامگاه پرستگاه وجود داشته است که تابوت‌های حاوی اجساد را در داخل این آرامگاه‌ها قرار می‌داده‌اند (Horst, 1973: 173-4). در سوریه گورهایی کاوش شده که خانوادگی به نظر می‌رسند و از این گورها به عنوان سردابه‌ای یافت می‌شود که با تابوت‌های سفالین معروف به وان حمام یا دمپایی شکل تدفین صورت می‌گرفته است (کالج، ۱۳۵۷: ۱۰۱-۹۷). در الحضر (هاترا) ساختمان‌های چهار گوش برای تدفین در داخل و خارج از حصار شهر ساخته شده است (سفر و مصطفی، ۱۳۷۶: ۸۲).

### شیوه‌های تدفین در ولیران

محوطه ولیران دماوند که در جنوب سلسله جبال البرز واقع شده، منطقه‌ای است در حد فاصل فلات ایران و مناطق شمالی و شمال شرقی که در دوره تاریخی به خصوص دوره اشکانی و ساسانی دارای اهمیت زیادی بوده و در دوره اشکانی این منطقه را می‌توان نقطه اتصال نواحی شرقی و شمال شرقی با نواحی غربی این دولت دانست. در حفاری‌های انجام گرفته در این محوطه و در زیر لایه ساسانی گورستانی از دوره اشکانی شناسایی شد که دارای چهار گور با شیوه‌های تدفین مختلف شامل ۱- گور سردابه‌ای (زیرزمینی)، ۲- گور با

پوشش خمره ای، ۳- گورهای گودالی ۴- گورهای سنگ چین که در زیر به شرح و توصیف و در پایان به تجزیه و تحلیل و نتیجه گیری آنها می‌پردازیم.

### ۱- گور سردابه‌ای (زیرزمینی)

مهم‌ترین گور مکشوفه در این محوطه، گوری دست کند سردابه‌ای شکل است که شامل یک ورودی و یک فضای مرکزی با سه سکو در اطراف که فضای مرکزی نیم متر از سکوها اطراف پایین‌تر و توسط بازوهای گلی کم ارتفاع از هم مجزا شده‌اند.

ورودی در جنوب غربی گور و در دل خاک طبیعی تپه کنده شده است. طول ورودی به دلیل نا تمام ماندن کاوش این بخش و همچنین وجود یک تدفین در جلوی آن مشخص نشد، ولی عرض آن ۷۰ سانتی متر، ارتفاع آن از کف راهرو تا سقف ۱۸۰ سانتی متر است. قسمت انتهایی ورودی یعنی بخشی که به راهرو مرکزی منتهی می‌شود را با قلوه سنگ و ملاط گل مسدود کرده‌اند. نحوه مسدود کردن ورودی بدین صورت بوده که بعد از هر بار تدفین، ابتدا یک لایه خاک به ارتفاع ۲۰ سانتی متر جلوی ورودی ریخته و سپس یک رج قلوه سنگ و مجدداً یک لایه خاک به ارتفاع ۲۵ تا ۳۵ سانتی متر روی قلوه سنگ‌ها ریخته و ورودی را مسدود کرده‌اند. بخش جنوبی این دیواره با خاک رس قرمز که دارای قطعات سفال است پر شده، در دوره‌ی دیگر تدفینی در جلوی ورودی انجام شده است.

راهرو و یا فضای مرکزی گور به ابعاد  $۱۵۰ \times ۷۰$  که از کف تا زیر سقف گور ۱۸۱ سانتی متر ارتفاع دارد و بلافاصله بعد از ورودی قرار دارد. کف آن با یک لایه گل اندود و سپس روی کف را با یک لایه نازک خاکستر پوشانده‌اند. در این فضا شیء یا تدفینی به دست نیامد و به نظر می‌رسد که در هنگام تدفین دو نفر در این فضا مراسم تدفین اجساد را روی سکوها انجام می‌داده‌اند. (نقشه ۲- تصویر ۲)

**سکوی شماره یک:** در جنوب شرقی گور در جهت شمال شرق - جنوب غرب به ابعاد  $۲۵۵ \times ۴۰ - ۹۰$  سانتی - متر که بخش غربی و شمالی با یک دیوارک گلی به ارتفاع ۱۰ سانتی متر از فضای مرکزی و سکوی شماره دو جدا شده است. در سطح این سکو یک تدفین و بقایای جمع شده یک اسکلت در شمال شرق آن قرار دارد. تدفین انجام شده در این سکو متعلق به مردی است ۴۰ الی ۵۰ ساله دارای قد ۱۷۲ سانتی متر که به صورت تاق باز و متمایل به سمت چپ دفن شده است. دست راست روی شکم و دست چپ از آرنج به سمت جمجمه خم شده و یک آمفورای ته دکمه ای را به دست گرفته و صورت آن رو به شمال است. در کنار این اسکلت یک سکه نقره به دست آمد. (تصویر ۳)

در گوشه شمال شرق این سکو تدفین جمع شده‌ای در کنار دیواره گور شناسایی شد که در لابه‌لای آن تعدادی شیء شامل قمقمه، سکه، گوشواره، حلقه، سوزن بزرگ، سر پیکان و تیغه چاقو آهنی و قطعات فلزی از جنس سفال، نقره، مفرغ و آهن به دست آمد. (تصویر ۴)

در جنوب این سکو استودان یا استخوان‌دانی (استودان شماره یک) به ابعاد  $۸۵ \times ۸۰ - ۹۵ \times ۳۰$  سانتیمتر در بدنه طبیعی گور حفر شده است. (تصویر ۵) از این استودان بقایای دو مرد، دو زن که یکی از آنها جوان است، شناسایی گردید. در زیر بقایای اسکلت‌ها یک لایه ضخیم از خاکستر وجود داشت که با هر بار جمع آوری اسکلت‌ها را از روی سکوی به داخل استودان خاکستر زیر آنها را نیز جمع می‌کردند و داخل استودان

می‌ریختند. در این استودان تعداد ۲۹ قلم شیء شامل، انگشتر، تیغه چاقو، تگوک، کاسه، کوزه، سردوک، پیاله، النگو، گوشواره، مهره، دسته و مفتول فلزی از جنس سفال، آهن، مفرغ، نقره، سنگ و شیشه به دست آمد.

**سکوی شماره دو:** در غرب گور در جهت شمال شرق - جنوب غرب به ابعاد ۱۱۰-۱۹۰×۷۰ سانتی‌متر که توسط دیوارک گلی به ارتفاع ۱۰ تا ۱۵ سانتی‌متر از فضای مرکزی و سکوی شماره سه جدا شده است. کف سکو بعد از تسطیح، سطح آن را با یک لایه گل مخلوط با سنگ ریزه و گاه اندود کرده‌اند و سپس روی آن را با یک لایه نازک خاکستر همراه با قطعات ذغال پوشانده‌اند. در این سکو چهار اسکلت دفن شده که به ترتیب عبارتند از:

اولین اسکلت متعلق به مردی در حدود ۳۰ الی ۳۵ ساله که به صورت تاق باز دفن شده و کمی متمایل به سمت چپ است به طوری که دست راست آن روی شکم نفر دوم و کتف و بازوی چپ آن در زیر تنه نفر دوم قرار داشته است. در این حالت سر نفر دوم روی دوش نفر اول قرار گرفته بود. ران چپ این فرد نیز درست زیر باسن اسکلت دوم قرار داشت و از پهلو آن را در بر گرفته است.

اسکلت شماره ۲ همانند اسکلت اول به صورت تاق باز دفن شده و متعلق به فرد مؤنث در حدود ۱۸ تا ۲۰ ساله است که از ناحیه کمر کمی به طرف اسکلت شماره یک متمایل شده است و با صورت نفر اول رو به هم است.

اسکلت سوم مربوط به دختر بچه خردسالی در حدود ۵ الی ۶ ساله است. بقایای اسکلت این کودک در زیر باسن اسکلت شماره ۲ به دست آمد. ادامه اسکلت کودک در زیر و پشت تنه اسکلت دوم به دست آمد. اسکلت چهارم در کنار دیواره طبیعی گور متعلق به زنی ۲۰ الی ۲۵ ساله که به صورت تاق باز دفن شده و در زیر پاهای آن بقایای استخوانی متعلق به اسکلت‌های قبلی که جمع آوری شده و داخل استودان ریخته شده‌اند، به دست آمد. بخشی از ساق و مچ پای اسکلت‌های دفن شده در این سکو روی دیوارک گلی و سکو شماره سه قرار داشت.

بر بالای سر چهار اسکلت دفن شده در این سکو مجموعه‌ای نفیس و منحصر به فرد شامل تگوک‌های سفالی به شکل کفش و یا سر قوچ و بز کوهی، جام میثاق، کوزه دو دسته، تنگ، (تصاویر ۶ - ۱۹) کاسه دهان گشاد، سر نیزه و مهره‌های تزئینی و همچنین اشیایی شامل سر نیزه، زوبین، آئینه، انگشتر، النگو (تصویر ۷)، حلقه، چاقو تیز کن، سکه، سردوک، زنجیر، گیره سر، بقایای سگک کمر بند، انواع مهره‌ها، میخ، اشیاء تزئینی از جنس سفال، مفرغ، نقره، آهن، شیشه، سنگ، قیر، چوب، پارچه، چرم، استخوان و بقایای چوب به دست آمد (نعمتی، ۱۳۸۷: ۲۸۰)

**سکوی شماره سه:** در شمال شرقی گور در جهت شمال غرب - جنوب شرق به ابعاد ۷۰-۱۷۰×۵۵ سانتی‌متر که توسط دیوارک گلی به ارتفاع ۱۰ تا ۱۵ سانتی‌متر از فضای مرکزی، سکوی شماره یک و دو و استودان‌های شماره دو و سه جدا شده است. کف سکو را پس از تسطیح آن را با یک لایه گل مخلوط با سنگ ریزه و گاه اندود کرده‌اند که این اندود دیواره طبیعی بخش شرقی گور را تا ارتفاع ۲۰ الی ۳۰ سانتی‌متری پوشانده است. به نظر می‌رسد که تمام دیواره‌های طبیعی گور را نیز اندود کرده‌اند که به مرور زمان و با بازو بسته کردن ورودی گور اندود دیواره‌ها ریخته است. سطح این سکو نیز دارای یک لایه نازک خاکستر همراه با

ذغال بود. از تدفین انجام شده در این سکو فقط بخشی از مجموعه و مهره های گردن آن به دست آمد. این تدفین در جهت شمال- جنوب و صورت آن به سمت شرق و احتمالاً به پهلوئی چپ دفن شده است. در اطراف آن اشیایی شامل تکوک (تکوک)، حلقه، انگشتر، میخ، مهره و قطعات فلزی از جنس سفالی، آهن، مفرغ و شیشه به دست آمد.

در شرق این سکو و استودان یا استخوان دانی (استودان شماره دو) به ابعاد  $115 \times 100 \times 100$  سانتی متر در بدنه طبیعی گور حفر شده و با یک دیوارک گلی کم ارتفاع از سکوی شماره سه جدا شده و کف آن ۵۰ سانتی متر پایین تر از سطح سکو است. (تصویر ۸-۹) در داخل این استودان بقایای اسکلت ۳ مرد، ۳ زن و یک کودک شناسایی شد. در زیر اسکلتها مقدار زیادی خاکستر وجود داشت. از داخل این استودان تعداد ۳۹ قلم شیئی شامل کاسه، پی سوز، سردوک، مهره، چاقو تیزکن، النگو، انگشتر، سرپیکان، زوبین، سرنیزه، دسته، میخ، تیغه خنجر، قلاب و قطعات فلزی از جنس آهن، مفرغ، قیر، نقره، سفال، سنگ، شیشه و چوب به دست آمد.

در شمال گور و شمال این سکو استودان یا استخوان دانی (استودان شماره سه) به ابعاد  $80-75 \times 80 \times 100$  سانتی متر در بدنه طبیعی گور حفر شده و با یک دیوارک گلی کم ارتفاع از سکوی شماره سه جدا شده و کف آن ۳۸ سانتی متر پایین تر از سطح سکو است. (تصویر ۱۰) از بقایای برج مانده در این استودان تعداد دو مرد و دو زن شناسایی شدند. اسکلت‌های این استودان آسیب بیشتری دیده و نسبت به دو استودان دیگر، استخوان‌ها بیشتر پودر شده و به نظر می‌رسد که اسکلت‌های دفن شده در آن نسبت به اسکلت‌های دفن شده در سکوها و دیگر استودان‌ها قدیمی تر باشد. از این استودان تعداد کمی شیئی شامل دو مهره از جنس قیر و خمیر شیشه و یک چاقو تیز کن سنگی استوانه‌ای به دست آمد.

**۲- گورهای گودالی:** از این نوع گور ۶ نمونه به دست آمد. این نوع گورها بدون استفاده از هر گونه عنصر معماری به صورت گودال‌هایی ساده بوده که اجساد در این گودال‌ها حالت جمع شده و یا تاق باز دفن می‌شدند، صورت‌ها اغلب به سمت شمال و شمال غرب و دست‌ها روی سینه و یا مقابل صورت و یا بین پاها قرار گرفته‌اند. سطح اسکلت‌ها را با خاک گودال کنده شده می‌پوشاندند. (تصویر ۱۱ - طرح‌های ۱-۲) در یکی از این گورها که متعلق به نوزادی دو تا سه ساله بوده گردنبندی شامل ۲۰ مهره ریز از خمیر شیشه وجود داشت. در بقیه گورها همراه جسد هیچ شیئی قرار نمی‌داند.

یکی از این گورها که با بقیه متفاوت بود در شمال شرق محوطه و در زیر کف دوره ساسانی شناسایی شد. دهانه گور بیضی شکل و به ابعاد  $80 \times 100$  سانتی متر و به دلیل فضای باز داخل گور و نوع خاک محوطه و احتمال ریزش سطوح فوقانی، سقف گور را با تخته سنگ‌های طبیعی، بدون استفاده از ملات، به شکل هلالی درآورده و برای ایستایی و استحکام سنگ‌ها، دیواره گور را تراشیده و آن را پایه‌ای برای مصالح سنگی قرار داده‌اند. این گور در جهت شمالی - جنوبی و به طول ۱۸۵ و عرض بین ۴۰ تا ۹۰ سانتی متر و عمق آن از سطح کف فضای دوره ساسانی تا کف گور ۱۴۰ سانتی متر و کف آن در عمق ۵۱۰ سانتی متری از سطح محوطه قرار دارد. در این گور سه تدفین روی هم شناسایی شد که به صورت هم زمان انجام شده بود. روی اسکلت‌ها با سنگ‌های بزرگ طبیعی از جنس آهنی به ضخامت ۶ تا ۲۰ سانتی متر با چیدمان تقریباً منظم

پوشانده بودند. (تصویر ۱۲). این تدفین‌ها از بالا به پایین عبارتند از: اسکلت شماره ۱ به شکل تاق باز با جهت شمالی - جنوبی در عمق ۹۰ سانتی‌متری از سطح گور قرار گرفته بود. صورت اسکلت به سمت غرب برگشته و احتمالاً بر اثر ریزش سقف اندکی به پایین و جنوب غرب تغییر جهت یافته بود. در زیر سر اسکلت سنگ تقریباً چهارگوشی با لایه‌ای سفید رنگ وجود داشت. دست‌های اسکلت را روی سینه و نزدیک گردن و پاها در قسمت زانو کمی از هم جدا شده و مچ یک پا بر مچ پای دیگر افتاده و قسمتی از انگشتان پا نیز در پشت کاسه‌ای قرار داشت که سر اسکلت سوّم در آن بود. طول قامت اسکلت ۱۵۰ سانتی‌متر و در گوش راست گوشواره‌ای مفرغی و روی سینه گل سینه‌ای شبیه پایپون و یک پلاک مفرغی، تیغه آهنی چاقو، سه قطعه آهن با ماهیته نامعلوم، سنجاقی مفرغی و یک سنگ چاقو تیز کنی قرار داشت. (تصویر ۱۳)

اسکلت شماره ۲ با ۱۶۰ سانتی‌متری طول بلافاصله در زیر اسکلت شماره ۱ در جهت شمالی جنوبی به طور تاق باز دفن شده بود سر این اسکلت روی پاهای اسکلت شماره ۳ قرار داشت و صورت آن به سمت شرق و دست‌ها روی سینه جمع شده بود. پاهای اسکلت شماره ۲ روی مجموعه داخل کاسه اسکلت شماره ۳ قرار داشت. (تصویر ۱۴)

اسکلت شماره ۳ با جهت جنوبی شمالی و با طول قامت ۱۷۵ سانتی‌متر بلندتر از بقیه بود. این اسکلت به صورت تاق باز با پاهای دراز شده که دست‌ها روی سینه و سر آن داخل کاسه‌ای سفالی جای گرفته و صورتش به سوی شرق برگشته بود. این شیوه تدفین یعنی قرار دادن سر داخل کاسه تا به حال از هیچ‌یک از محوطه‌های دوره اشکانی در ایران گزارش نشده است. در کنار شانه اسکلت سر پیکانی آهنی و در زیر کاسه سفالی حاوی مجموعه یک سنگ چاقو تیز کنی به دست آمد. (تصویر ۱۵)

**۳- گورهای سنگ چین:** از این نوع گور ۴ نمونه شناسایی شد. این نوع گور نیز همانند گورهای ساده بوده با این تفاوت که اطراف جسد را با یک ردیف قلوه سنگ‌های رودخانه‌ای محدود می‌کردند. اسکلت‌ها به صورت تاق باز و جنینی و معمولاً بر دوش راست و رو به شمال دفن شده‌اند. در این گورها معمولاً همراه جسد شیء قرار نمی‌دادند تنها یکی از آنها دارای انگشتر مفرغی و یک انگشتر آهنی ساده بود. از این نوع گور ۴ نمونه به دست آمد. (تصاویر ۱۶ - ۱۷ و طرح‌های ۳ - ۴)

**۴- گور با پوشش خمره‌ای:** در زیر کف معبر دوره ساسانی اسکلتی به دست آمد که روی آن را با قطعات یک خمره بزرگ پوشانده بودند. اسکلت در جهت شرقی غربی و به پهلو راست و به حالت جمع شده دفن شده به طوری که پایه‌های اسکلت در جلوی شکم است و صورت آن نیز رو به شمال است. (تصویر ۱۸)

به طور کل در کاوش‌های انجام شده در گورستان ولیران ۱۲ گور شامل یک گور سرداب‌های، یک گور با پوشش خمره‌ای، شش گور گودالی و چهار گور نوع سنگ چین است (نقشه ۳). از این گورها ۳۵ اسکلت شناسایی شد که از این تعداد ۱۵ اسکلت مرد، ۱۳ اسکلت زن، ۳ اسکلت کودک و جنسیت ۴ اسکلت مشخص نشد. (نمودار شماره ۱ - ۲) این اسکلت‌ها بین ۵ تا ۷۵ سال سن داشتند.



### بحث و مقایسه:

آنچه که در گورستان ولیران حائز اهمیت است وجود شیوه‌های مختلف تدفین است که در کمتر گورستانی از این دوره مشاهده می‌کنیم. سردابه مکشوفه در این گورستان برخلاف سایر سردابه‌های این دوره بدون استفاده از مصالح ساختمانی در بستر طبیعی تپه کنده شده و فقط سطح سکوها و دیوارهای گور را با اندود کاه و گل پوشانده‌اند. اجساد داخل سردابه با لباس و همراه آنها اشیای متعلق به زندگی روزمره یا حرفه‌ای متوفی را قرار می‌دادند. هر سکو دارای یک استودان اختصاصی بوده که پس از تدفین اجساد اولیه و به هنگام تدفین اسکلت‌های جدید اسکلت‌های قدیمی به همراه اشیای تدفینی برداشته شده و درون استودان‌های تعیین شده در گور می‌ریختند. اشیای موجود در این گور متنوع و منحصر به فرد و وجود چهار تکوک سفالی که سه تا به شکل بز و قوچ کوهی و یکی از آنها به شکل کفش بوده و تا به حال در هیچ یک از محوطه‌های اشکانی شناسایی نشده است. (تصویر ۱۹) وجود تکوک‌های و سکه‌ها و اشیای زیاد این گور نشان می‌دهد که افراد دفن شده در هر سکو احتمالاً متعلق به یک خانواده که دارای پایگاه اجتماعی خاصی برخوردار بوده‌اند. از این شیوه تدفین در دوره اشکانی از شهر صنعت‌گران و شهر شاهی شوش (De Mecqunem, 1943)، در گلاگ شوشتر (Rahbar, 1999: 90-93) و در سلوکیه (کالج، ۱۳۵۷: ۱۰۱-۹۷) شناسایی شده است. تدفین سردابه‌ای متعلق به دوره اشکانی نبوده و قبل از آن به خصوص در دوره ایلامی‌ها در دو را ون تاش و هفت تپه رایج بوده است.

در یکی از گورهای گودالی سه تدفین روی هم شناسایی شد که همزمان با هم دفن شده بودند و همراه آنها اشیایی شامل کاسه، سرپیکان، تیغه چاقو، چاقو تیزکن سنگی، پلاک مفرغی، گل سینه پاپیون شکل و انگشتر قرار داشت. بقیه گورهای گودالی از نظر قرار دادن اشیاء فقیر بودند.

قبور نوع گودالی در این دوره از چهار محل چشمه سار در نزدیکی تخت جمشید (Schmidt, 1952: 117-157)، در گورستان سنگ شیر همدان (آذرنوش، ۲۵۳۴: ۴۰)، در سد سکندر گرگان در نزدیکی شهر جرجان (Kiani, 1982: 11-19) و تعدادی گور گودالی از حفاری‌های چغامیش (کنتور و دلوگاز، ۱۳۵۰: ۶۵-۵۹) به دست آمده است.

تدفین‌های گودالی نیز چون ساده‌ترین شیوه تدفین بوده در تمامی دوران‌ها کاربرد داشته است. استفاده از خمره جهت تدفین در این دوره در نقاط مختلف ایران رایج بوده است. از این نوع تدفین در نقاط مختلف گرمی مغان (کام بخش فرد، ۱۳۷۷: ۳-۱) در قبرستان پارتی حومه شوش در یک کیلومتری جنوب زندان و شهر شاهی (De Mecqunem, 1943: 139, 41-69)، در آکروپول شوش (دیولافوا، ۱۳۷۱: ۱۵۳-۱۴۵)، در بولاحیا (Unvala, 1929: 133)، در تاق بستان کرمانشاه (کامبخش فرد، ۱۳۷۴: ۲۳۹)، گلالک شوشتر (رهبر، ۱۳۷۶: ۲۰۸-۱۷۵)، معبد آناهی‌تای کنگاور (کامبخش فرد، ۱۳۴۹) و در گورستان شغاب بوشهر (میرفتاح، ۱۳۷۴: ۶۱-۴۱) شناسایی شده‌اند. تدفین‌های خمره‌ای بسیار بیشتر از نمونه‌های بین‌النهرین در داخل فلات ایران، غرب و شمال غرب ایران سابقه دارد. البته در دوران‌های پیش از تاریخ و دوره ایلام از این شیوه جهت دفن خردسالان استفاده می‌شده است. در آشور واقع در بین‌النهرین نیز نمونه‌های تدفین خمره‌ای به چشم می‌خورد و استفاده از چند قطعه خمره جهت دفن یک جسد نیز در این محل شناسایی شده است. قرار دادن خمره‌ها به صورت زاغه‌ای در گرمی نیز از جمله سنت‌های پیشین موجود در منطقه گیلان بوده است، چون در مناطق جوبن، نوروز محله و کلورز نیز قبور زاغه‌ای نوروز محله مربوط به دوره هخامنشی و تعداد زیادی هم مربوط به دوره اشکانی به دست آمده است (آبیار، ۱۳۷۳: ۱۳۵).

وجود اشیاء در قبور دوره اشکانی نیز از جمله شواهد دیگری مبنی بر تداوم سنت‌های پیشین در دوره اشکانی است. بر خلاف قبور اشکانی سایر مناطق که معمولاً به لحاظ داشتن اشیاء فقیر هستند. ولی در گور سردابه‌ای و یکی از گورهای گودالی که اشیاء زیادی به دست آمده نشان می‌دهد که اشیایی چون خنجر و شمشیر و ظروف سفالی از جمله معمول‌ترین هدایای قبور در ولیران و در قبور منطقه گرمی و منطقه تالش از دوره‌های قبل مثل هزاره اول ق. م بوده است که نمونه‌های این اشیاء توسط دموگان در تالش شناسایی شده است. (De Morgan, 1905)

### نتیجه

در گورستان ولیران آداب و رسوم خاص و یکنواختی در طرز تدفین اجساد مردان، زنان و کودکان دیده نمی‌شود. اجساد را در این گورستان و از هر جنسیت به شیوه‌های مختلف دفن می‌کردند و همراه اجساد نیز اشیایی هدیه می‌شد. در داخل سردابه جهت خاصی را مراعات نمی‌کردند ولی در بیشتر گورهای گودالی و سنگ چین اجساد به سمت شمال و شمال غرب یعنی به سمت کوه دماوند و به صورت کشیده، جمع شده و تاق باز دفن شده‌اند.

رسم قرار دادن اشیاء و هدایا در قبور منحصر به دوران اشکانی نیست بلکه از دوره‌های پیش از تاریخ نیز وجود داشته است. شاید علت افزایش و تنوع آثار مربوط به اشیاء قبور به دلیل رشد تحولات اجتماعی شهرنشینی و پیشرفت فن و هنر بوده است. در دوره‌های تاریخی فلز بیشتر در دسترس مردم قرار داشته است، به همین دلیل اشیاء فلزی در قبور این دوره دیده می‌شود. نفوذ و گسترش آیین‌ها و مذاهب در تعیین کیفیت و کمیت اشیاء بسیار موثر بوده است ولی در هر حال موادی وجود دارند که نشان می‌دهند رسومی فارغ از زمان و مکان جغرافیای خاصی می‌مانند و به حیات خودش ادامه می‌دهند، برای بررسی تأثیرها فرهنگی انجام شده در این دوره می‌توان به اشیاء قبور نیز مراجعه کرد. غیر از مذهب، اعتقادات اولیه در به کار بردن اشیاء در قبور بوده است. نوع تدفین اجساد بستگی به پایگاه اجتماعی هر فرد داشت. کسانی که دارای پایگاه اجتماعی بالا بودند اجساد بستگان خود را در داخل سردابه‌ها با لوازم و اشیاء گران قیمت و کسانی که در رده‌های پایین‌تری بودند در داخل گورهای گودالی، سنگ چین و خمره‌ای و بدون اشیاء و یا با اشیاء کمتری دفن می‌کردند ... وجود تدفین‌هایی با وجود اشیاء تدفینی غنی دال بر وجود ثبات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی در آن منطقه است که دفن‌کنندگان با فرصت کافی و آرامش خیال و دقت افراد را در قبوری مشخص به همراه اشیاء مختلف دفن می‌کردند.

تقریباً انواع تدفین‌هایی که در دوره اشکانی در نقاط مختلف ایران رایج بوده در ولیران استفاده شده است که آنها را نمی‌توان به مذاهب مختلف نسبت داد چرا که همه دارای یک وجه مشترک هستند و آن تدفین در نقطه‌ای از منطقه دماوند است که جنس زمین از نوع کنگلومرایبی بوده و درصد بیشتر آن را قلوه سنگ‌های کوچک و بزرگ تشکیل داده و دارای درصد کمی خاک و آن هم از نوعی خاک سفید است که قابلیت رویش هیچ گیاهی را ندارد. بنابراین می‌توان گفت که اشکانیان ساکن دماوند احتمالاً دارای یک مذهب واحد و آن هم زردتشی بودند.

گورستان ولیران به چند دلیل متعلق به دوره اشکانی است. وجود تکوک‌ها و ظروف سفالی دیگری که در این گور به دست آمده (تصویر ۱۹) و فرم، خمیره، پوشش و نقوش آنها قابل مقایسه با سایر محوطه‌های اشکانی ایران به خصوص سفال‌های منطقه شمال شرق، اردبیل، منطقه مرکزی و شوش است. (هرینک، ۱۳۷۶) یکی از تکوک‌ها شباهت زیادی به تکوکی دارد که در گورستانی نزدیک شهر دماوند پیدا شده. همراه دو جام سکه‌هایی بوده که تاریخ گذاری آنها را آسان کرده و با این طریق توانسته‌اند تاریخ یکی از آن دو جام را از دوران پادشاهی فرهاد دوم ۱۳۸ بعد از میلاد مسیح و دیگری را از عهد مهرداد دوم ۸۸-۱۲۳ پیش از میلاد تشخیص دهند. بنابراین جام‌های مزبور از دوران اشکانیان است (Vanden Berghe, 1959: 6).

علاوه بر سفال‌ها داده‌های مختلف، فلزی، آهنی، نقره‌ای، چوبی، شباهت زیادی با اشیاء مکشوفه از منطقه گرمی مغان دارند (کامبخش فرد ۱۳۷۷ تصاویر ۱۲۰، ۱۱۵، ۱۱۳، ۸۲، ۸۱) و از همه مهم‌تر کشف سکه‌های نقره عصر اشکانی که بنا طبقه بندی سلود متعلق به چهار پادشاه اشکانی همچون مهرداد دوم، اردوان دوم، سنتروک، ارد اول (Sellwood, 1980)، بدون شک متعلق به اوایل دوره اشکانی هستند.

### منابع:

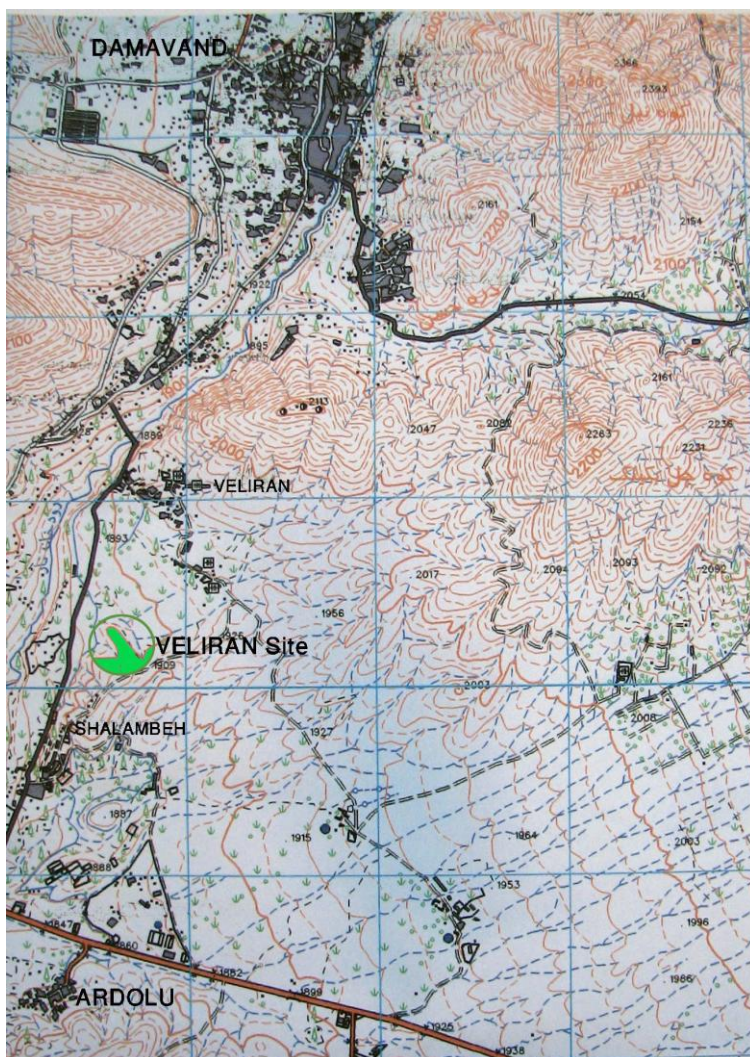
- آبیاری، منصور، ۱۳۷۳، معماری و ساختار قبور مردم ساکن در منطقه گیلان از اواخر هزاره دوم تا اوایل هزاره اول قبل از میلاد، مجموعه مقالات کنگره معماری و شهر سازی بم، جلد چهارم صص ۱۷۷ - ۱۸۹.
- آذرنوش، مسعود، ۲۵۳۴، "دومین کاوش در منطقه سنگ شیر همدان"، گزارشهای چهارمین مجمع سالانه کاوشها و پژوهش‌های باستان‌شناسی در ایران، دوازدهم تا هفدهم آبان ماه ۲۵۳۴، زیر نظر فیروز باقر زاده، تهران: انتشارات مرکز باستان‌شناسی ایران.
- چاپچی امیرخیز، احمد و محمدرضا سعیدی هرسینی، ۱۳۸۱، نگاهی به تدفین تابوتی در ایران باستان، انتشارات سمیرا.
- هرینک، ارنی، ۱۳۷۶، سفال ایران در دوران اشکانی، ترجمه حمیده چوبک، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- دیولافوا، ژان، ۱۳۷۱، سفرنامه خاطرات کاوشهای باستان‌شناسی شوش ۱۸۸۶-۱۸۸۴، ترجمه بهرام فره‌وشی، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رهبر، مهدی، ۱۳۷۶، "کاوش باستان‌شناسی در گلالک شوشتر، یادنامه گردهمایی باستان‌شناسی شوش، ج ۱، سازمان میراث فرهنگی کشور، صص ۲۰۸-۱۷۵.
- سفر، فواد و مصطفی، محمدعلی، ۱۳۷۶، هترا (الحضر) شهر خورشید، ترجمه نادر کریمیان سردشتی تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
- صراف، محمدرحیم، ۱۳۷۴، گزارش گمانه زنی در کوه رحمت مرودشت، گزارش منتشر نشده، مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور.
- کابلی، میرعابدین، ۱۳۷۳، "شوش و میراث باستانی دشت شوشان"، مجله میراث فرهنگی، ویژه نامه نخستین گردهمایی باستان‌شناسی ایران، ش ۱۲، تابستان و پاییز، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
- کالج، مالکوم، ۱۳۵۷، پارتیان، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: انتشارات سحر.
- کامبخش فرد، سیف‌الله، ۱۳۷۷، گور خمره‌های اشکانی، پیوست شماره یک مجله باستان‌شناسی و تاریخ، مرکز نشر دانشگاهی.
- کامبخش فرد، سیف‌الله، ۱۳۷۴، معبد آناهیتای کنگاور، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
- کامبخش فرد، سیف‌الله، ۱۳۴۶، "آثار و بقایای دهکده پارتی (اشکانی)"، مجله بررسیهای تاریخی، شماره ۱، سال دوم.
- کامبخش فرد، سیف‌الله، ۱۳۴۹، سنگ نگاره‌های بیستون و طاق بستان و کاوشهای علمی کنگاور، یادنامه سمپوزیوم باستان‌شناسی ایران، تهران: موزه ملی ایران.
- کنتور، هلن جی و پ.پ. دلوگاز، ۱۳۵۰، "کاوشهای چغامیش"، ترجمه یوسف مجیدزاده، مجله باستان‌شناسی و هنر ایران، شماره ۷ و ۸، صص ۶۵-۵۹.
- گدار، آندره، ۱۳۵۸، هنر ایران، ترجمه بهروز حبیبی با تجدید نظر، تهران: انتشارات دانشگاه ملی، صص ۲۲۲-۲۱۲.
- میرفتاح، سیدعلی اصغر، ۱۳۷۴، "گورستان شغاب"، مجله اثر، شماره ۲۴، صص ۶۱-۴۱.
- نعمتی، محمد رضا، علی صدراپی، ۱۳۸۷، «پژوهشی در فرهنگ و هنر دوره اشکانی در فلات مرکزی ایران بر اساس تکه‌های مکشوفه از محوطه تاریخی ولیبران دماوند»، مجله علمی-پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۴-۱۸۶، دوره ۵۹، صص ۲۹۷-۲۷۹.

Azarnoush, M. (1979) Deux Saisons de fouilles la necropole de Sange-Shir, Hamadan, AMI, band 6, pp. 281-286.

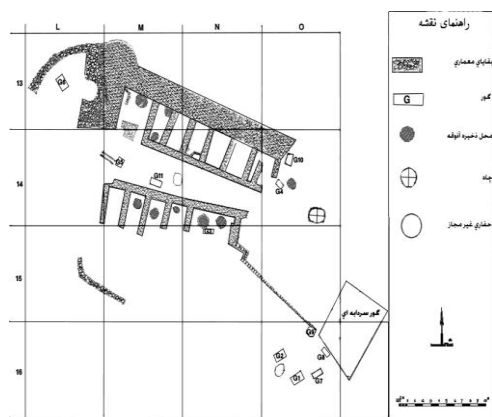
Colpe, C. (1993) Developments of religious thought, the Cambridge History of Iran, Vol. 3 (2), pp. 319-865.

De Mecqunem, R. (1943) Fouilles de Suse 1933-1039, MDP, Tome XXIX, Paris.

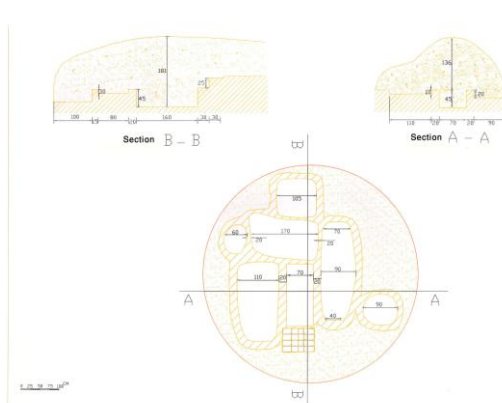
- De Morgan, M.J. (1905) Decouverte dane sepulture Achemenide a Suse, MDP, Tome VIII, Paris.
- De Morgan, M.J. (1905) Recherches au talyche person, MDP, Tome VIII, Paris, pp. 250-330.
- Fingan, J. (1952) The archaeology of world religions, Princeton University Press.
- Herzfeld, E. (1941) Iran in the ancient east, Oxford University Press.
- Horst, K. (1973) The art of ancient Syria.
- Karlovsy, C.C. L. (1968) The cairn burial of southeastern Iran, East and West 18, (3-4), ISMED, p.247.
- Kiani, M.Y. (1982) Parthian sites in Hyrcania, the Gorgan Plain, AMI, band 9, pp. 11-19.
- Mongait, A. (1959) Archaeology in U.S.S.R, Moscow, Foreign Language Publishing House.
- Nemati, M.R. and Ali Sadrai, (2010) Parthian Rhytons from Veliran, Iranica Antiqua, XLV, 305-319.
- Schmidt, E.F. (1957) The cemetery of Persepolis Spring, Persepolis II, The University of Chicago Press Vol. LXIX, pp.117-157.
- Rahbar, M. (1999). Shushtar: Las tombeaux depoque Parthe de Galalak Dossiers d'Archeologie", No. 243, Paris, PP. 90-93.
- Sellwood, D. (1980) The Coinage of Parthian, London.
- Unvala, J.M. (1929) Fouilles Asuse en 1929, Revue d' Assyriologie, Vol. XXVI, Parise.
- Vanden Berghe, L. (1959) L'Archaeologie de l'Iran ancient, Leiden.



نقشه شماره ۱



نقشه شماره ۳: موقعیت گورهای مکشوفه در محوطه ولیران



نقشه شماره ۲: پلان و برش‌های محوطه ولیران



تصویر شماره ۲: بخش داخلی گور سردابه‌ای



تصویر شماره ۱: تصویر هوایی محدوده کاوش محوطه ولیران



تصویر شماره ۴: تدفین جمع شده در شمال شرقی سکوی شماره یک تصویر



تصویر شماره ۳: اسکلت مکشوفه از سکوی شماره یک



تصویر شماره ۶: ظروف سفالی مکشوفه در بالای سر اجساد دفن شده در سکوی شماره دو // تصویر



تصویر شماره ۵



تصویر شماره ۸: استودان شماره دو قبل از برداشت اسکلتها



تصویر شماره ۷: دستبندها و آئینه مفرغی اسکلت شماره دو از سکوی شماره دو



تصویر شماره ۱۰: استودان شماره سه و بقایای اسکلت‌های موجود در آن تصویر



تصویر شماره ۹: استودان شماره دو بعد از برداشت بقایای اسکلتها



تصویر شماره ۱۲: گور گودالی که دهانه با قطعات تخته سنگ پوشیده شده بود



تصویر شماره ۱۱: شیوه تدفین در یکی از گورهای گودالی (گور گودالی شماره ۳)





تصویر شماره ۱۴



تصویر شماره ۱۳: شیوه تدفین اسکلت شماره یک گور گودالی



تصویر شماره ۱۶: شیوه تدفین در گور نوع سنگ چین (گور شماره ۹)



تصویر شماره ۱۵



تصویر شماره ۱۸: گور نوع خمیره ای



تصویر شماره ۱۷: شیوه تدفین در گور نوع سنگ چین در روبروی ورودی گور سردابه‌ای (گور شماره ۸)



تصویر شماره ۱۹: چهار تکوک مکشوفه از گور سردابه ای



طرح شماره ۲: گور نوع گودالی (گور شماره ۱)



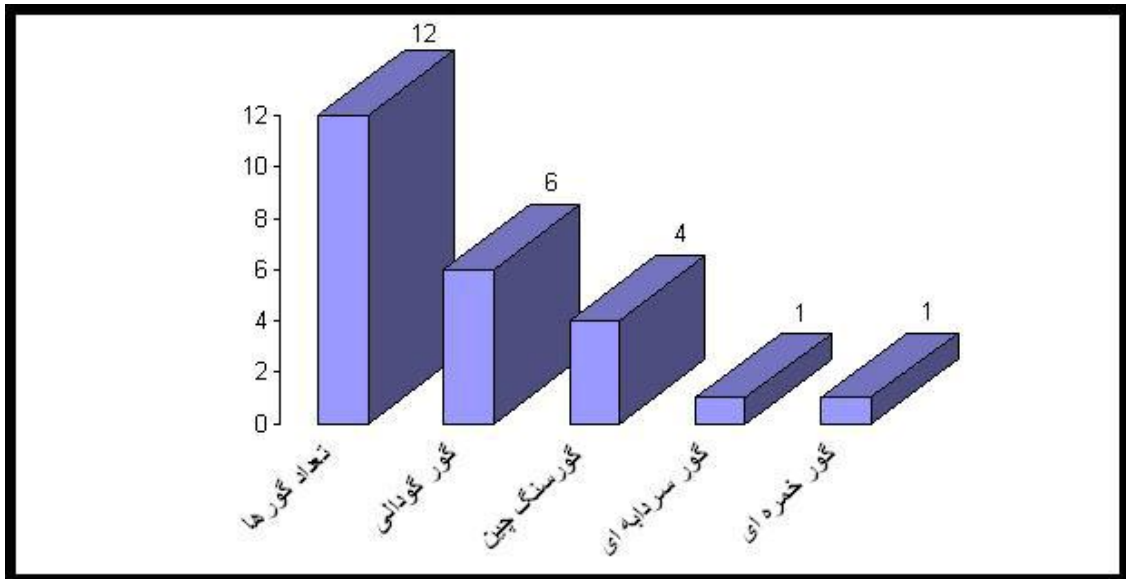
طرح شماره ۱: گور گودالی (گور شماره ۲)



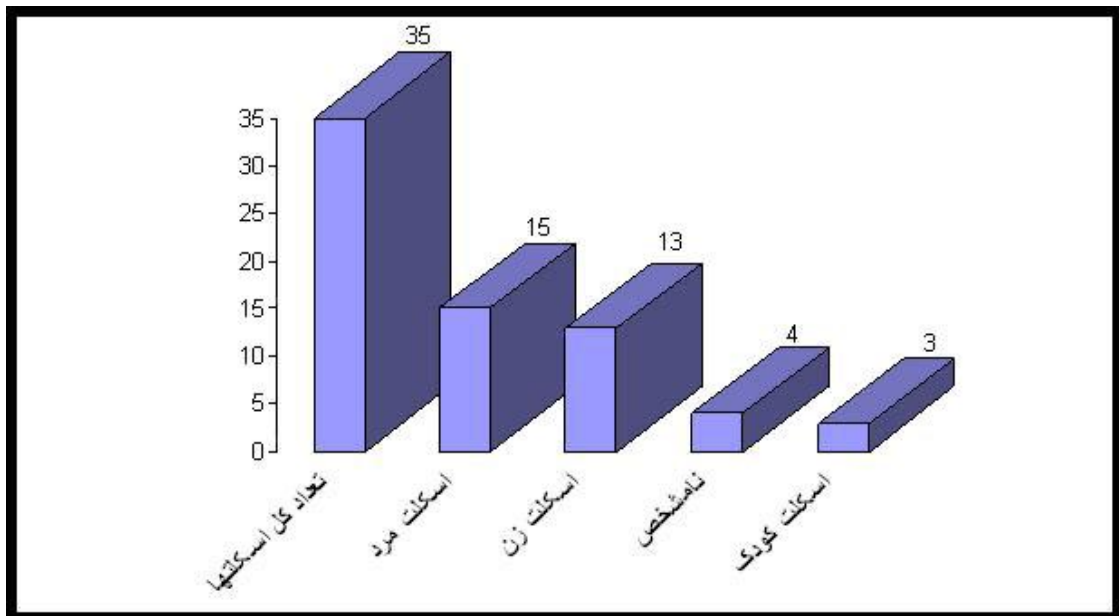
طرح شماره ۴: گور نوع سنگ چین (گور شماره ۹)



طرح شماره ۳: گور نوع سنگ چین (گور شماره ۷)



نمودار شماره ۱



نمودار شماره ۲